

آنها اهمیتی به ما نمی‌دهند

جکسون، ستاره قرن بیستم جهان است. یکی از معروف‌ترین و تاثیرگذارترین انسان‌هایی که دنیا به خودش دیده. مایکل جکسون سبک خودش را داشت که برای مردم دوست‌داشتنی و سرگرمی‌ساز بود و خواننده‌های زیادی پس از آن از سبک او تقلید کردند. جکسون در سال ۱۹۹۶ تک‌آهنگی به نام (آنها اهمیتی به ما نمی‌دهند) منتشر کرد که بسیار بحث‌برانگیز و جنجالی بود. این آهنگ با صدای یک زن که از مردم درخواست شعار می‌کند آغاز می‌شود و بعد صدای کودکانی شنیده می‌شود که می‌گویند (آنها به ما اهمیتی نمی‌دهند).

یهودیان همان زمان جنجال زیادی بر پا کردند که این آهنگ ضد

یهود است ولی مایکل در مصاحبه‌اش گفت که من در این

آهنگ سعی در بازتاب مشکلات سیاسی و اجتماعی

داشتم و اصلاً قصدی برای آزار هیچ گروه و دسته‌ای

ندارم. نماهنگ این آهنگ در شهر ریو و سالوادور در

کشور برزیل فیلمبرداری شد، چون این کشور سال ۲۰۱۶

میزبان المپیک بود، مقامات آن نگران شدند که مردم

واقعیت فقر و تنگدستی این شهرها را ببینند

برای همین حدود ۲۰ روز فیلمبرداری

متوقف گردید اما باز از سر گرفته شد و

ساکنان این منطقه خوشحال شدند

که مشکلات‌شان توسط جمعیت

گسترده‌ای قابل مشاهده خواهد

بود. با این که دولت آمریکا خیلی

این آهنگ به مذاقش خوش

نیامده بود ولی این آهنگ جزو

ده آهنگ برتر اروپا شد و در رتبه

۳۰ جدول صد آهنگ داغ بیل‌بورد

آمریکا قرار گرفت. حتی در سال ۲۰۲۰

پس از مرگ جورج فلوید و حادثه‌هایی

که برای آنها اتفاق افتاد، این آهنگ توسط

گروه معترضین بارها خوانده شد.



آمریکای سفید

قصه موسیقی رپ که اصلاً با عنوان موسیقی اعتراضی متولد شد از سیاه‌پوستان آمریکایی یا آمریکایی‌های لاتین آغاز شد. این سبک موسیقی نوعی سلاح برای جوانان سیاه آن زمان بود که بتوانند با استفاده از آن با تبعیض‌های نژادی وحشتناکی که علیه آنها می‌شد، مبارزه کنند. از سال ۲۰۰۰ و با ظهور اینترنت‌های گسترده و برنامه‌های موسیقی، این سبک موسیقی بسیار زیاد گسترش پیدا کرده و یکی از معروف‌ترین سبک‌های موسیقی شد. ولی همچنان سیاه‌پوستان و جنبش بلک متال را صاحب اصلی این سبک موسیقی می‌دانند. امینم که یکی از رپرهای معروف آمریکایی است که به محبوبیت دادن به موسیقی هیپ‌هاپ نقش داشته جزو اولین رپرهای سفیدپوست بود که تلاش می‌کرد در آهنگ‌هایش از تبعیض نژادی و خاستگاه رپ حرف بزند. آهنگ آمریکای سفید در آلبوم نمایش امینم دقیقاً یکی از همان آهنگ‌هایی است که راجع به این موضوع حرف می‌زند و خیلی هم چالش‌برانگیز شد. در کل این آلبوم امینم که سال ۲۰۰۲ منتشر شد چون یک سال بعد از ماجرای ۱۱ سپتامبر و حمله به افغانستان و عراق بود، به دلیل اوج گرفتن نفرت عمومی از دولت جورج بوش و کاخ سفید، آهنگ‌های این آلبوم اغلب سیاسی و اعتراضی هستند.



مردم متحد هرگز شکست نخواهند خورد

سرخپو اورنگ‌آهنگ‌ساز شیلیایی به همراه ویکتور خارا یکی از معروف‌ترین چهره‌های موسیقی و انقلابی شیلی با الهام از یک شعار خیابانی این آهنگ را ساختند. این سرود بارها توسط گروه موسیقی آنها یعنی کیلاپیون اجرا شد و تاثیرات انقلابی عمیقی روی مردمی گذاشت که از بی‌کفایتی حکومت به ستوه آمده بودند. پس از مدتی حکومت، ویکتور خارا و ۵۰۰۰ مبارز دیگر را در استادیوم بزرگ سانتیاگو دستگیر کرد که قصه‌ای عجیب البته تاریخی دارد. جایی فرمانده نیروهای مسلح سرکوب، به ویکتور خارا نزدیک می‌شود و از او می‌پرسد آیا هنوز هم حضری گیتار بزنی و آهنگ بخوانی؟ پاسخ ویکتور خارا مثبت بود. گروهیان به سربازش می‌گوید گیتارش را بیاورید. اما او تبر می‌آورد و دستان خارا را می‌برد. بعد از آن گروهیان دوباره می‌پرسد حالا چطور؟ باز حضری آهنگ بخوانی؟ نگاه ویکتور خارا با دستانی منقطع و خونی صدایش در می‌آید و شروع به زمزمه این آهنگ می‌کند و از هم‌بندانش می‌خواهد او را همراهی کنند. کم‌کم صدای این آهنگ در کل استادیوم سانتیاگو طنین‌افکن می‌شود. بعد از آن تمام هم‌بندان کشته می‌شوند اما این صدا و آهنگ سرکوب شده تبدیل به سرود انقلابی شیلی می‌شود و شیلی همان سال کودتایش به سرانجام می‌رسد.



دلارهای خونی

این روزها موسیقی اعتراض در گوشه گوشه جهان، بیش از هر سوزه‌ای، رنگ و بوی اتفاقات تلخ غزه را به خود گرفته است. اینکه برخی از شاعران و خوانندگان مسلمان سراغ این موضوع بروند خیلی طبیعی است. اما کار وقتی جذاب می‌شود که آمریکا، اسرائیل و همراهانشان، معترضانی از جنس خودش پیدا می‌کنند.

«بنجامین هاموند هگرتی» رپر

سرشناس آمریکایی با نام هنری

«مک‌کلمور»، با خواندن

شعری تحت عنوان «مردم

بی‌گناه در غزه با دلارهای

ما کشته می‌شوند» به

انتقاد از حمایت‌های

آمریکا از جنایات رژیم

صهیونیستی علیه مردم

غزه پرداخت و خواستار

توقف فوری جنگ علیه

فلسطینیان شد.

او در این اثر که مورد استقبال

بالایی در رسانه‌های مجازی

قرار گرفته است خطاب به باریدن

می‌گوید: «بایدن، خون روی

دستان است، ما می‌توانیم همه

چیز را ببینیم».

